

## نظری انتقادی بر شکل و محتوای خاطر‌نگاری‌های مر حوم اکبر هاشمی‌رفسنجانی مقدمه‌ای بر نقدهای بنیادین!

■ شاهد توحیدی



اثری که هم‌اینک در باب آن سخن می‌رود، ظاهر و محتوای وقایع‌نگاری‌های مرحوم اکبر هاشمی‌رفسنجانی از شخصیت‌های پر کار سیاسی نظام اسلامی را در سنجه نقد گذارده‌ودر یک کلام، آن را به صفت

«روایت‌های ناروا» متصف نموده‌است. این کتاب، شامل مقالاتی است که در فصلنامه تاریخی ۱۵ خرداد درج و نهایتاً در قالب یک اثر تاریخی، جمع‌بند شده‌است. در دیباچه این مجموعه و در معرفی محتوای آن، چنین آمده‌است: «نوشتار حاضر مجموعه ۱۰ مقاله در نقد خاطرات سیاسی مرحوم هاشمی‌رفسنجانی است که همگی در سال‌های حیات‌وی، در فصلنامه تخصصی ۱۵ خرداد منتشر شده‌است. در گردآوری این مجموعه تلاش بر آن بوده که بخش‌های متنوع خاطرات مرحوم هاشمی مورد نقد واقع نشود تا مخاطبان ارجمند و حقیقت‌جو، با سنجش نقدهای متنوع وارد بر آثار ایشان آشنا شوند، بنابراین این مجموعه تنها پیش‌درآمدی بر نقد مجموعه خاطرات سیاسی آقای هاشمی است و به هیچ‌وجه نمی‌توان و نباید بدان اکتفاشود.وجه امتیاز این روایت‌های مر حوم هاشمی است. نقض و ای‌برام‌ی صورت پذیرفته در این مجموعه، نوعاً به ضمیمه منابع و مستندات تاریخی معتبر، صورت پذیرفته و امید است این مسئله در فضیولت جامعه علمی کشور مورد نظر واقع شود و مقبول افتد.

دو مقاله نخست با عنوان مبارزه در تردید و ابهام و خاطراتی بر از ابهام و پریشش‌های بی‌پایخ، هر دو به قلم تاریخ‌نگار انقلاب اسلامی، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحمیدروحانی نگارش یافته‌است که در آن به تبیین برخی محورهای انتقادی کلسی در مجموع روایت‌های تاریخی آقای هاشمی، پرداخته شده‌است. امتیاز این دو مقاله، بیان برخی ارتکازات و مشاهدات تاریخی نگارنده



است که اولاً خود از هم‌زمان آقای هاشمی بوده و ثانیاً تنها کسی است که از سوی امام خمینی مأموریت تدوین تاریخ انقلاب اسلامی به وی محول شده است.نگاهی به خوشبینی‌های فرمایشی و ژست‌های دموکراتیک آقای هاشمی رفسنجانی عنوان مقاله سوم به قلم دکتر مظفر ایمار، است که از ابتدای دوره سوم فصلنامه تخصصی ۱۵ خرداد تاکنون، مسردبیری این نشریه را بر عهده داشته‌است. این نوشتار، با رویکردی تحلیلی، به نقد کارنامه سیاسی متناقض‌نما و پرفراز و نشیب آقای هاشمی پرداخته‌است. مقاله چهارم با عنوان آسیب‌شناسی انتقادی شیوه‌های خاطره‌گویی ای‌تالله است. نقد اختصاصی نخستین مجموعه خاطرات آقای هاشمی رفسنجانی اختصاص یافته‌است.نظر به اهمیت خاص این اثر در ریل گذاری شیوه خاطره‌گویی مر حوم هاشمی، نقد ریشه‌یابی آن می‌تواند در خوانش انتقادی سایر آثار مشابه نیز مورد استفاده قرار گیرد. بررسی تطبیقی اندیشه‌های امام خمینی و عملکردهای هاشمی رفسنجانی عنوان مقاله پنجم است که تلاش دارد تا از ابتدای مبارزات تا سال‌های پایانی حیات امام، به بررسی تطبیقی اندیشه و کارنامه سیاسی آقای هاشمی با امام خمین بپردازد و فاصله محسوس او با امام را با عنوان نظری اجمالی به‌ادعاهای بدون دلیل در خاطرات هاشمی رفسنجانی، بر یک آسیب مهم در مجموعه خاطرات،ریاست‌فقدیمجمع‌تخصیص‌مصلحت‌متمركز شده و در بی جمع ادعاهای بدون دلیل در خاطرات ایشان است. مقالات هفتم و هشتم به نقد و بررسی دو کتاب به سوی سرنوشت و اوج دفاع، اختصاص یافته که به همت دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران و زیر نظر جناب آقای سلیمی نمین تحریر شده‌است. امتیاز این دو مقاله، تمرکز بر جزئیات تاریخی و نقد تحلیلی و تطبیقی برخی گزاره‌های خاص است. ورتوش کتاب هاشمی بدون ورتوش عنوان مقاله‌ای است به قلم استاد سیدحمیدروحانی که تلاش دارد به نقد روش‌های نامتعارف در القای مشهورات و متشابهات تاریخی به جای رخدادها در مجموعه مصاحبه‌های آقای صادق زیباکلام با مرحوم هاشمی بپردازد. هیوط در مه عنوان آخرین مقاله از این مجموعه است که به نقد کتاب یا به پای سر و خاطرات خاتم عفت مر عشی پرداخته‌است.»

# «مافیای اشرف پهلوی در سیاست و اقتصاد ایران» در آیین‌ه روایت‌ها و تحلیل‌ها نمادی از عقده‌های فروخته یک شاهزاده!

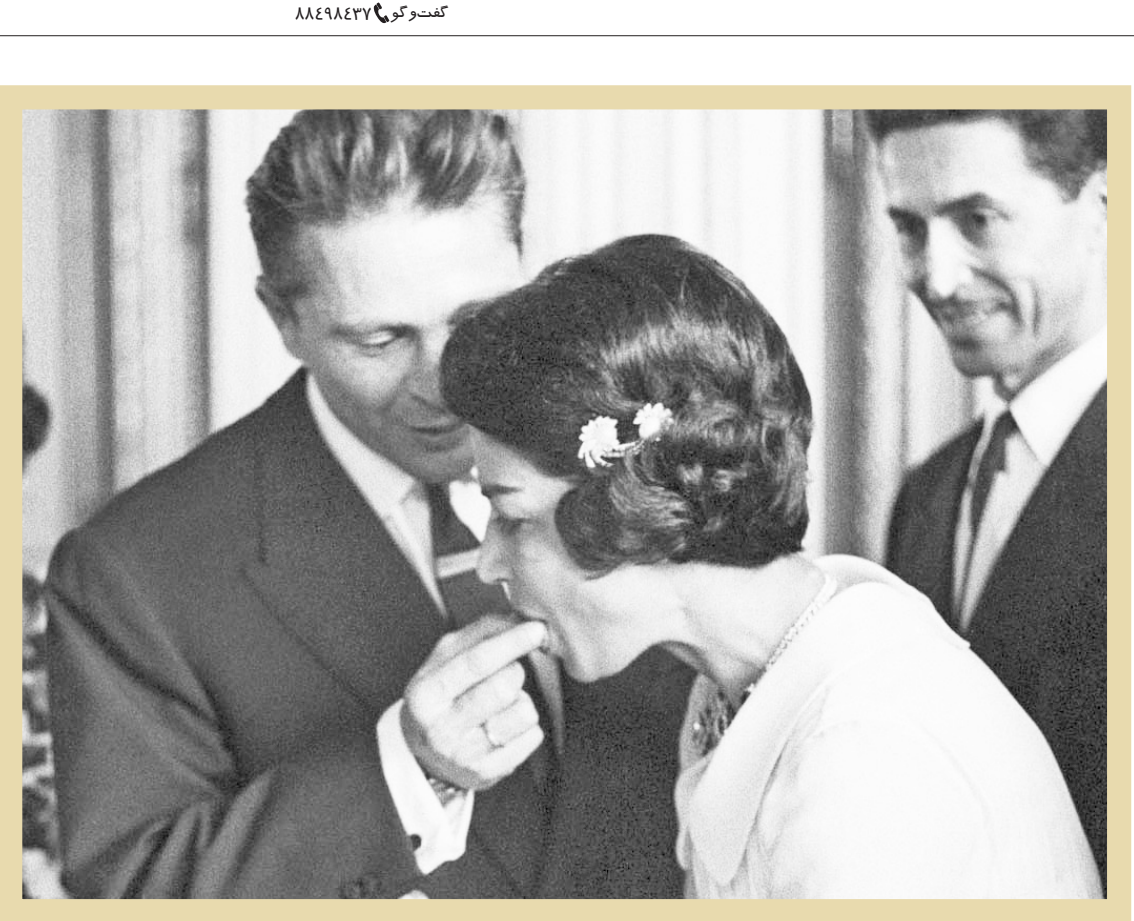
■ احمدرضا صدری

در روزهای گذشته، از پنجمین سالمرگ اشرف پهلوی عبور کردیم. این چهره در فرآیند سلطنت سیدحیدروحانی نگارش یافته‌است که در آن به تبیین برخی محورهای انتقادی کلسی در مجموع روایت‌های تاریخی آقای هاشمی، پرداخته شده‌است. امتیاز این دو مقاله، بیان برخی ارتکازات و مشاهدات تاریخی نگارنده

در مقال بی‌آدمه، سعی شده‌است تا با استناد به برخی روایت‌ها و تحلیل‌ها، در باب این پدیده سخنی رود. امید آنکه تاریخ‌پژوهان معاصر و عمووم علاقه‌مندان را فراقبند و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **اشرف پهلوی و عصیان پس از خروج پدر از کشور**
بر حسب شواهد و اسناد، اشرف پهلوی در دوران حضور رضخان در سریر سلطنت، شاهزاده‌ای منغل و مورد غفلت بود. از سوی پدر، چندان مورد توجه قرار نمی‌گرفت و همین امر، عقده‌های فروخته فراوانی برای وی ایجاد کرده بود.او به رغم تمایل فراوان برای نقش آفرینی، عملاً گوشه‌نشین بود و مجالی برای عرض اندام نداشت.اشرف اما در پی خلع و اخراج رضخان، مجالی فراخ یافت و در دوره حاکمیت برادر، در تمامی عرصه‌ها از جمله سیاست و اقتصاد، عصیان کرد! محمداسماعیل شیخانی پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، در این باره معتقد است: «قاب عکس‌های به جامانده از دوران کودکی فرزندان رضخان، مؤید مسئله‌ای روان‌شناختی است. در یکی از این تصاویر مهم، اشرف پهلوی در گوشه‌ای است. کودتاهای استاده و دو فرزند دیگر رضخان، یعنی محمدرضا و شمس، روی زانوی پدر هستند!روحیات رضخان، اشرف را ایزوله کرده بودا هر چند شاید تمنای درونی رضخان این بود که محمدرضا، واجد خصوصیات اخلاقی و اقتدار اشرف باشد. هر حال راه سبیه سنگین پدر، در تمامی مراحل زندگی، همراه اشرف بود. رضخان که اجازه تحصیل در موسس را به فرزند ذکورش داده بود، با درخواست مشابه اشرف مخالفت کرد و حتی همسر اشرف و شمس را نیز خود برگزید، با این تفاوت که او میان دو فرزند انتخاب‌شده، شمس بود که همسرش را انتخاب کرد و اشرف به ازدواج با علی قوام ناچار شد! تمام این مسائل بیانگر این است که اشرف از همان اوان کودکی تا زمان حضور رضخان در ایران، سرخورده بود و خروج پدر دست و پال وی را باز کرد تا به‌رغم خود در صحنه سیاسی ایران و پی‌ویژه در ابفای رضخان، نقش کند. در مهم‌ترین بزنگاه تاریخ پهلوی‌ها، یعنی حوادث شهریور ۱۳۲۰ نیز، رضاشاه از اشرف خواست در کنار برادرش بماند و ترجیح داد شمس در تبعید در کنارش



«مافیای اشرف پهلوی در سیاست و اقتصاد ایران» در آیین‌ه روایت‌ها و تحلیل‌ها

# نمادی از عقده‌های فروخته یک شاهزاده!

باشد. اشرف در آن دوره می‌کوشد تا زمینه را برای سلطنت برادرش مهیا کند. تحرکات اشرف در این برهه، در زمینه برقراری ارتباط با سفارت‌های روسیه و انگلیس برای مقاعد کردن آنها در مورد این مسئله که محمدرضا فرد مطلوبی برای سلطنت است، در برخی اسناد تاریخی به ثبت رسیده‌است. مهم‌تر از ابفای نقش یادشده در بالا، تحرکات اشرف پس از ابفای قدرت محمدرضا برای مقابله با قدرت احمد قوام بود.

احمد قوام در سراسر دوره پهلوی دوم، همواره خود را در تراز بالاتر از محمدرضا می‌دید و حتی در دوره پهلوی نخست نیز، داعیه خودمختاری در خراسان را داشت. او که در چهارسالگی محمدرضا نخست‌وزیر شده بود، اینک نمنی نبود که هیچ‌امید برای شاه جوان، در یک قاب ببیند و داعیه‌های بیشتری داشت، اما اشرف پهلوی تلاش کرد به منظور تثبیت قدرت برادر، با وی مقابله کند. طنز تاریخ این است که همان اشرفی که در سال‌های ابتدایی دهه ۱۳۲۰، علیه قوام و به سود گسترش قدرت برادرش می‌جنگید، این بار به صورت نامحسوس قرار بود از قوام در برابر مصدق حمایت کند!در ماجرای استعفاي مصدق از مقام نخست‌وزیری در ۲۵ تیر ۱۳۲۱ و برآمدن احمد قوام، اشرف دیگر مطمئن نبود که هیچ‌امید و شانس برای قدرت‌گیری مجدد مصدق وجود ندارد اما به دنبال استقرار مجدد محمد مصدق در نخست‌وزیری، وی بلافاصله در خواست خروج اشرف و مادر شاه از ایران را کرد و در شهریور ۲۸، این اتفاق رخ داد. اشرف بار دیگر موقعیت برادر را در خطر می‌دید و از سوی دیگر کینه مصدق را نیز به دل گرفته بود و این گونه شد که در مقام رابط کودتاچیان در سال ۱۳۲۲، علیه مصدق ابفای نقش کرد. او حتی در دورانی که از ورود به تهران نیز منع بود، با وجود مخالفت دولت، اشرف روحیه دادن به برادرش به تهران سفر کرد!در تمام این مدت، اشرف ارتباط خود را با مأموران ژانسی‌های اطلاعاتی امریکا و انگلیس، تقویت کرد و در کنار عمال داخلی و خارجی، در کودتای ۲۸ مرداد نقشی اساسی ایفا کرد تا بار دیگر زمینه بازگشت محمدرضا به سلطنت فراهم شود. طنز دوم تاریخی در مورد اشرف این بود که تا مدتی پس از موفقیت کودتاچیان، او اجازه نداشت به ایران بازگردد!زیرا وجهه مناسبی نداشت و برخی حضور وی را به سود سلطنت محمدرضا نمی‌دانستند! اشرف پهلوی در چند برهه تلاش کرد عقده‌های کودکی خود را که همواره سر کوب شده بود، خالی کند و زمینه‌ای برای قدرت‌طلبی خود فراهم سازد. در چند برهه، تمامی عوامل و پی‌وسه همراهی امریکا و انگلیس و سرویس‌های اطلاعاتی آنها، به اشرف این فرصت را داد تا در مقام یک ناجی، برای برادرش ظاهر شود و اجازه ندهد سلطنت او – که فاقد

قدرت تصمیم‌گیری سریع و مناسب به‌ویژه در مواقع بحرانی بود- سرنگون شود. با این حال، بازل اشرف در سال ۱۳۵۷ تکمیل نشد، زیرا جمع‌بندی‌های داخلی و خارجی متفاوت با شهر یور ۱۳۲۰ با مرداد ۱۳۲۲ بود و اشرف نیز خود می‌دانست به تنهایی قرار نیست در زمینه‌ابفای سلطنت ابفای نقش کند

و به همین دلیل بود که خیلی زودتر از محمدرضا، عطای سلطنت را به فاقیش بخشید!»
■ **طول و عرض مافیای اقتصادی اشرف پس از ۲۸ مرداد**
اشرف پهلوی پس از رسیدن برادرش به سلطنت و البته گام به گام، صاحب یکی از بزرگ‌ترین مافیاهای اقتصادی ایران شد!این راه پس از ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ – که شاه چندان به عرض اندام وی در عرصه سیاست تمایل نداشت- برای وی هموارت نیز شد. اشرف در طرق فعالیت‌های اقتصادی خویش به ویژه قاچاق مواد مخدر، تا بدان جا پیش رفت که به یکی از شاخص‌ترین عوامل بدنامی حکومت برادرش مبدل شد!زرها سعیدی پژوهشگر تاریخ معاصر ایران می‌قولند، را، به شرح ذیل دیده‌است: «اشرف دخالت گن‌شده‌ای در امور اقتصادی داشت و از این طریق توانسته بود ثروت هنگفتی برای خود فراهم آورد. چنان‌که گفته شده‌است او دومین فرد ثروتمند بعد از برادرش محمدرضا بود. جدا از اینکه این ادعا تا چه حد درند با یکدیگر ملاقات می‌کردند. عامل اصلی در تشکیل این گروه شخص اشرف بود…»

در باب حضور پررنگ اشرف در قاچاق مواد مخدر به ایران، خوایش خاطره پروین فرغاری مشوقه سابق محمدرضا پهلوی نیز، خالی از لطف نیست: «در حدود سال‌های ۱۳۳۴-۱۳۳۳، خورشیدی، منزل من را نیز برانگیخته بود. در نزدیک کلوب امریکایی‌ها بود. خلبانی امریکایی به نام جک، سخت عاشق و شیدایی من شده بود. او گاهی به منزل ما می‌آمد و من نیز در اکثر مجالس امریکایی‌ها در آن کلوب شرکت می‌کردم، چک آن قدر من را می‌شد که عکس قاب شده‌ای از مرا، به دیوار اتاقش نصب کرده بود! همین عکس بای مرا به ماجرای کشاند که روح من از او در ارتکاب هر نوع فسادای باعث شده بود تا بسیاری از او به عنوان واسطه‌های جهت رسیدن به امیال شخصی استفاده کنند. این افراد که در زمره حلقه یاران اشرف از او به عنوان واسطه‌های جهت رسیدن به امیال شخصی در کارهای شرکت می‌کردند، چنان‌که کارخانه‌داری به نام باستانی که یکی از دوستان نزدیک اشرف بود، ۲۰ میلیون متر پارچه وارد کرده بود! اما مگر ک‌های لازم را پرداخت نمی‌کرد و آنها را به دو برابر قیمت می‌فروخت. با صاحب کارخانه منسوجات دیگری، لاچوردی، هم پارچه‌های ارزان وارد کرده و آنها را به



اشرف پهلوی همواره به‌یار شقیق، پهلوی پوهشگری و هیلمورت آدیت در سفر به سوئد، در جریان دیدار با یکدیگتا خبر شقیق، تقصص‌وزیر این کشور

بر حسب شواهد و اسناد، اشرف پهلوی در دوران حضور رضخان در سریر سلطنت، شاهزاده‌ای منغل و مورد غفلت بود. از سوی پدر، چندان مورد توجه قرار نمی‌گرفت و همین امر، عقده‌های فروخته فراوانی برای وی ایجاد کرد.او به‌رغم تمایل فراوان برای نقش آفرینی، عملاً عرض اندام نداشت! اشرف اما در پی خلع و اخراج رضخان، مجالی فراخ یافت و در دوره حاکمیت برادر، در تمامی عرصه‌ها از جمله سیاست و اقتصاد، عصیان کرد!

قیمت زیاد فروخته، به علاوه تعدادی از واردکنندگان وسایل بزرگی و وسایط نقلیه که از دوستان اشرف بودند، قیمت‌ها را برای خرده‌فروشان بی‌جهت بالا برده و بنابراین استفاده‌های آن را کم می‌کردند. اشرف گذشته از آنکه خود از طرق مختلف به فساد اقتصادی مشغول بود، زمینه این موقعیت را برای فرزندش شهرام نیز به‌وجود آورده بود. شهرام، فرزند ارشد اشرف، در بعضی موارد جای مادرش را گرفته بود. او به‌طور وسیع و نامطلوبی در تهران به عنوان یک معامله‌گر زرنگ شهرت داشت و حدود ۲۰ شرکت شامل ترابری، کلوب‌های شبانه، ساختمانی و تبلیغات بخش همه‌دارایی‌های وی را در خود جای داده بودند. برای ایرانیان صاحب اطلاع، فروش گنجینه‌ها و عتیقه‌های هنری کشور از جمله ساخته‌های دستی مارلیک، که یک موضوع باستان‌شناسی ماقبل تاریخ و حائز اهمیت زیاد است، بدنام‌ترین عمل حاکی از بی‌مسئولیتی وی می‌باشد. البته برخی معتقدند اشیای تاریخی تپه مارلیک توسط شخص اشرف به سرقت رفته بود و او عامل به حراج رفتن آن اشیای بود. در این رابطه آمده‌است: به محض اینکه در تپه مارلیک اشیای طلایی بسیار گران‌قیمت کشف شد، اشرف آن محل را خریداری کرد و محتویات آن تپه از آن به بعد به دست معامله‌گر هنری تمام دنیا رسید… اشرف گذشته از مسائل اقتصادی، در امور سیاسی نیز نفوذ و خالت زیادی داشت. اشرف تشنه قدرت بود. او با بسیاری از درباریان که آنان را رقیب خود می‌دانست اختلاف داشت، از این رو دربار در پشت پرده خود، شاهد اختلافات عمیق و شدیدی میان اشرف و رقبای او همچون فرح گرفته بود. اشرف آدم‌های خود را داشت و حتی در کابینه همیشه چند نفری بودند که به اعتبار نزدیکی با اشرف موقعیت خود را حفظ می‌کردند؛ به عنوان مثال بر تعیین وزیر علوم و آموزش عالی مدت‌ها بین فرح و امیرحاجب جنگ درگرفته بود.

اشرف پهلوی پس از رسیدن برادرش به سلطنت و البته گام به گام، صاحب یکی از بزرگ‌ترین مافیاهای اقتصادی ایران شد!این راه پس از ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ – که شاه چندان به عرض اندام وی در عرصه سیاست تمایل نداشت- برای وی هموارت نیز شد. اشرف در طرق فعالیت‌های اقتصادی خویش به ویژه قاچاق مواد مخدر، تا بدان جا پیش رفت که به یکی از شاخص‌ترین عوامل بدنامی حکومت برادرش مبدل شد!زرها سعیدی پژوهشگر تاریخ معاصر ایران می‌قولند، را، به شرح ذیل دیده‌است: «اشرف دخالت گن‌شده‌ای در امور اقتصادی داشت و از این طریق توانسته بود ثروت هنگفتی برای خود فراهم آورد. چنان‌که گفته شده‌است او دومین فرد ثروتمند بعد از برادرش محمدرضا بود. جدا از اینکه این ادعا تا چه حد درند با یکدیگر ملاقات می‌کردند. عامل اصلی در تشکیل این گروه شخص اشرف بود…»

بر موط به زندگی خصوصی او یا تربیت فرزندانش می‌شد، دخالت اشرف و اطرافیان دیگر شاه را تحمل نمی‌کرد و در مقابل آنها می‌ایستاد به طوری که علم در خاطرات خود به‌ارزاد ابفای فرخ از خالت‌های خود ۱۳۳۴-۱۳۳۳ اشاره می‌کند: «شهبانو وارد مشهد شد… در پروازمان به تهران شهبانو خواست مرا تنها ببیند و مدت یک ساعت با هم حرف زدیم. او رفتار خواهرهای شاه و فعالیت‌های خانواده او… که داشت، منتهی شخصاً جزئیات هیچ این مسئله را با شاه مطرح کند… قلمرو قدرت و مناصب اشرف وسیع بود، از بست‌های بین‌المللی تا مافیای مواد مخدر و قاچاقی و برخی فعالیت‌های اجتماعی. اشرف در مقاطع مختلف بر بست‌های نظیر نمایندگان چهل و دومین شورای اقتصادی و اجتماعی، نمایندگی در ریاست هجدهمین شورای وضعیت زنان، نمایندگی و ریاست کنفرانس جهانی سال زن (۱۹۷۵) نمایندگی و ریاست اجلاس سیاست و ششم کمسیون خرت بشر سازمان جهانی اطلاع بودم، با تندبی به سؤالات با جوان پاسخ می‌دادم و در نهایت به دلیل فقدان مدارک آزاد شدم.

بعدها از غلامرضا (پهلوی) شنیدم که در شب با جوانی من در محل شهربانی، شخصش اشرف را علوی‌مقدم ملاقاتی داشته و سفارشات لازم را به او و صرفی کرده است تا علیه من پرونده‌سازی کنند. قصد اشرف از این پرونده‌سازی این بود که هم کینه‌دیرینه‌اش را تسبب به من خالی کند و هم اینکه پرونده به نفعی لوٹ گردد، چراکه طبق اطلاع، جک با زنی به نام نلی- که چشم‌مان سزنی داشت و مهماندار هواپیما بود- مبارزت به آوردن کولتین و هروئین به ایران می‌کردند و اشرف نیز که در این قبیل امور بد طولایی داشت، در یک رقابت مافیایی دستور قتل کار صادر کرده بود و قاتلین با کمین کردن و پنهان شدن در پشت پرده اتاقش، به محض اینکه وی وارد اتاق شده بود با تنگی کوتاه‌وا از پشت پرده به پیشانی او شلیک کرده بودند…»

■ **بی‌اعتنایی عمدی شاه نسبت به فعالیت‌های اقتصادی اشرف**

همان‌گونه که در فصل پیشین این مقال اشارت رفت، تحلیل اغلب پهلوی پژوهشان از فعالیت اقتصادی اشرف پهلوی، این است که این فرآیند با چراغ سبزی برادرش صورت گرفت. شاه از سر ناراضیتی از کارنامه سیاسی خواهر و نیز احساس

ترس از شلتاق وی در سیاست، او را به عرصه اقتصاد سوق داد. زهرا سعیدی پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، در ادامه تحلیل خویش در این باره می‌نویسد: «با توجه به این شرایط شاه بارها تلاش کرده بود تا دست اشرف را از امور مختلف کوتاه کند اما هر بار با شکست مواجه شده بود. حتی در مواردی اشرف با حفظ موقعیت خود، تا حدودی دست و پای شاه را از مسائل کوتاه کرده و خود بر آن تسلط می‌یافت. یکی از نمونه‌های این ادعا را می‌توان در برکناری نصیری مشاهده کرد. اشرف، موقعی که نصیری فرمانده گارد بود، در سال‌های دهه ۳۰، با لئون پالانچیان (که در سقوط هواپیما مُرد) مربوط بود و پالانچیان به کاخ سعدآباد رفت‌وآمد داشت. شاه به نصیری دست‌تور داده بود دیگر پالانچیان را به کاخ راه ندهند. پالانچیان آمده بود برود نزد اشرف، گارد هم راهش نداده بود. اشرف رفت نزد شاه و محکم ایستاد تا نصیری را بردارند و نصیری برداشته شد و شاه وی را گذاشت رئیس شهربانی. البته برخی نیز معتقدند محمدرضا پهلوی خود تمعداً نسبت به فعالیت‌های اشرف بی‌اعتنا بود و معدود واکنش‌های کلامی او به فسادهای سیاسی، اقتصادی و حتی اخلاقی اشرف، شواقی سیاسی برای جلب افکار عمومی بود. به عنوان نمونه در برخی منابع آمده‌است: وقتی مدیر یکی از بانک‌های ایران به یک کارمند سفارت گفت وی بعضی از اقدامات تجاری اشرف را که وی را (در اشرف) را) در موقعیت ناپسندیده‌ای قرار می‌داد به نظر شاه رساند، شاه صرفاً مسئله را بی‌اهمیت تلقی کرد. مدیر بانک به کارمند سفارت اظهار داشت چنین معاملات برای اشخاص دیگر ۱۰ سال زندان دربر دارد. در کنار این موارد، برخی نیز بر ترس شاه و اصطلاح حساب بردن شاه از خواهر دوقلوش اشاره دارند که به نظر می‌رسد تردید در باب آن کمتر از سایر دیدگاه‌ها است. بر این اساس، به همان اندازه که شاه شخصیتی ضعیف و ترسو داشت به همان اندازه اشرف شجاع و بی‌پروا بود و همین موضوع باعث شده بود محمدرضا پهلوی نتواند حریف اشرف و دیگر اعضای خاندان سلطنتی گردد.»

■ **اشرف در رقابت با فرح دبیا!**

تحلیلگران زندگی پهلوی دوم، وجود و دخالت‌های اشرف پهلوی را یکی از عوامل بی‌دوامی از دواج‌های اول و دوم برادرش، به‌ویژه ازدواج ثرا با اسفندیاری قلمداد کرده‌اند. همین رفتار وی در دوره ازدواج فرح دبیا با محمدرضا پهلوی نیز، تداوم یافت و به یکی از مشکلات موسوم به شاه مبدل شد! مریم‌السادات حسینی پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، به ماجرا از این منظر نگریسته است: «اشرف پهلوی خواهر دوقلوی شاه یکی از قدرتمندترین و نفوذترین اشخاص نیز شده بود به طوری که بیش از ۲۰ سال از دوران سلطنت برادرش، نقش زن اول را در سیاست ایران بازی می‌کرد. مسعود انصاری نزدیک و نفوذ اشرف بر شاه را چنین توصیف می‌کند: اشرف هم علاوه بر خواهری بی‌شمار، می‌توان از دوستان شاه به حساب آورد. اشرف بیشتر از تمام خواهر و برادرهای شاه او نزدیک و حتی روی او نفوذ داشت… فرح دبیا ملکه شاه، هر چند از ابتدای ورودش به دربار مشی مسالمت‌آمیزی در ارتباط با اشرف فرخ از خالت‌های شاه چنین اشاره می‌کند: شهبانو خواست مرا تنها ببیند و مدت یک ساعت با هم حرف زدیم. او رفتار خواهرهای شاه و فعالیت‌های خانواده او… که داشت، منتهی شخصاً جزئیات هیچ این مسئله را با شاه مطرح کند… قلمرو قدرت و مناصب اشرف وسیع بود، از بست‌های بین‌المللی تا مافیای مواد مخدر و قاچاقی و برخی فعالیت‌های اجتماعی. اشرف در مقاطع مختلف بر بست‌های نظیر نمایندگان چهل و دومین شورای اقتصادی و اجتماعی، نمایندگی در ریاست هجدهمین شورای وضعیت زنان، نمایندگی و ریاست کنفرانس جهانی سال زن (۱۹۷۵) نمایندگی و ریاست اجلاس سیاست و ششم کمسیون خرت بشر سازمان جهانی اطلاع بودم، با تندبی به سؤالات با جوان پاسخ می‌دادم و در نهایت به دلیل فقدان مدارک آزاد شدم.

بعدها از غلامرضا (پهلوی) شنیدم که در شب با جوانی من در محل شهربانی، شخصش اشرف را علوی‌مقدم ملاقاتی داشته و سفارشات لازم را به او و صرفی کرده است تا علیه من پرونده‌سازی کنند. قصد اشرف از این پرونده‌سازی این بود که هم کینه‌دیرینه‌اش را تسبب به من خالی کند و هم اینکه پرونده به نفعی لوٹ گردد، چراکه طبق اطلاع، جک با زنی به نام نلی- که چشم‌مان سزنی داشت و مهماندار هواپیما بود- مبارزت به آوردن کولتین و هروئین به ایران می‌کردند و اشرف نیز که در این قبیل امور بد طولایی داشت، در یک رقابت مافیایی دستور قتل کار صادر کرده بود و قاتلین با کمین کردن و پنهان شدن در پشت پرده اتاقش، به محض اینکه وی وارد اتاق شده بود با تنگی کوتاه‌وا از پشت پرده به پیشانی او شلیک کرده بودند…»

■ **بی‌اعتنایی عمدی شاه نسبت به فعالیت‌های اقتصادی اشرف**

همان‌گونه که در فصل پیشین این مقال اشارت رفت، تحلیل اغلب پهلوی پژوهشان از فعالیت اقتصادی اشرف پهلوی، این است که این فرآیند با چراغ سبزی برادرش صورت گرفت. شاه از سر ناراضیتی از کارنامه سیاسی خواهر و نیز احساس

پیچیده‌تری در جریان بود.»